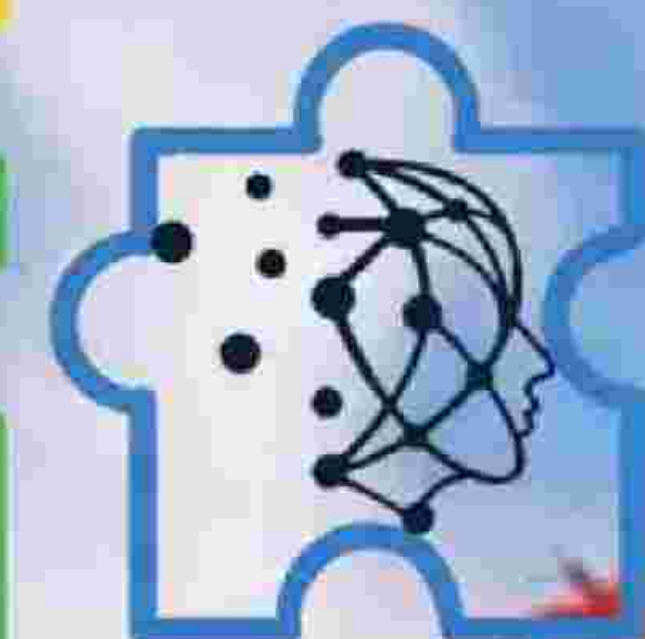
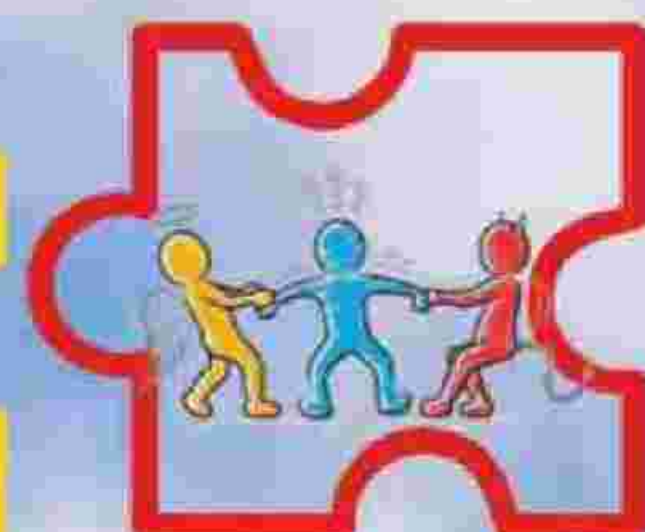


آیین زندگی

هوش اخلاقی چیست؟ و چگونه پرورش آن در کودکان

بررسی میدانی تأثیر مهد کودک در آموزش ابتدایی



کاربرد تکنولوژی آموزشی در مراکز مهد کودک و پیش دبستانی

مختصری درباره اقتصاد آموزش



فصل نامه علمی آموزشی
انجمن علمی - دانشجویی
تربیت مربی مراکز پیش از دبستان
مرکز آموزش علمی - کاربردی
شرکت تعاونی پیشازان آیین زندگی

سال سیزدهم، شماره ۵۱ پاییز ۱۴۰۲

شماره مجوز ۱۲۱/۰۹/۰۹/۹۷

صفحه

✓ مطالب این شماره

- هوش اخلاقی چیست؟ و چگونگی پرورش آن در کودکان
(قسمت سوم)

۱

✓ مژده جانه

- بررسی میدانی تأثیر مهد کودک در آموزش ابتدایی
(قسمت دوم)

۳

✓ آزاده جعفری کارگر

- کاربرد تکنولوژی آموزشی در مراکز مهد کودک و پیش
دبستانی

۷

✓ خلیل شیروانی

- مختصری درباره اقتصاد آموزش (بخش نخست)

۸

✓ آزاده جعفری کارگر

مرکز آموزش علمی کاربردی شرکت تعاونی
پیشگازان آیین زندگی

مریم قمی بزرگی

نازی سعیدی

مهرانگیز میکائیلی، بهار رجبی، طیبه
مهویدی زاده، مریم قمی بزرگی

مژده جانه، آزاده جعفری کارگر،
خلیل شیروانی،

مریم قمی بزرگی

سلیمه پارسایی مهر

مرکز آموزش علمی کاربردی شرکت تعاونی
پیشگازان آیین زندگی

aienezendegy@yahoo.com

بلوار اشرفی اصفهانی، نرسیده به پل همت،
خیابان قموشی (پارک) شهرک همای جنوبی

۰۲۱-۴۲۴۱۳۱

❖ صاحب امتیاز:

❖ مدیر مسئول:

❖ سردبیر:

❖ هیئت تحریریه:

❖ همکاران این شماره:

❖ ویرایش:

❖ هماهنگی و روابط عمومی:

❖ چاپ و تکثیر:

❖ رایانامه:

❖ آدرس:

❖ تلفن:



هوش اخلاقی چیست؟ و چگونه پرورش آن در کودکان (قسمت سوم)

ادامه از شماره قبل...

انتقال ارزش‌ها، پایه هوش اخلاقی

خانواده به عنوان اولین و بالاترین مکان برای انتقال ارزش‌ها به فرزندان است. خانواده جای امنیت است، جایی که فرزندان در آنجا از حمایت بی قید و شرط بهره‌مند می‌شوند، البته خانواده‌ای سالم است که ارزش‌ها در آن آموزش داده و به مرور در فرزند درونی می‌شود. پدر و مادری که خود از نظر ارزشی قوی هستند، ارزش‌ها را در طول رشد به فرزندانشان یاد می‌دهند و فرزندان نیز ارزش‌ها را با خود به جامعه برده و با آن‌ها زندگی می‌کنند. این مسئولیت به عهده پدر و مادر است، البته اگر بچه‌ها یک یا چند ارزش را نشناختند، طبیعی است؛ ولی اگر پدر و مادر آن‌ها را به فرزندان خود منتقل نکنند یا بدتر از آن خودشان ارزش‌ها را نادیده بگیرند، این امر عادی نیست.

در خانواده‌ای که در آن افراد ارتباط ضعیفی با هم دارند و نسبت به هم بی‌تفاوت باشند، بچه‌ها به جای ارتباط با پدر و مادر دائم با تلویزیون و رایانه ارتباط برقرار می‌کنند و به دلیل این بی‌توجهی انتقال ارزش‌ها به فرزندان هم صورت نمی‌گیرد؛ وقتی نوجوان وارد مرحله بلوغ می‌شود، مخالفت‌های خود را با ارزش‌های پدر و مادر شروع می‌کند. پدر و مادری که تا آن زمان شاهد مخالفت آشکار فرزندشان نبودند، از آن به بعد شاهد بی‌ارزش شمردن ارزش‌هایشان، مخالفت‌ها و پنهان‌جویی‌ها از سوی نوجوانشان می‌شوند، گاه

حتی لباس پوشیدن و حرف زدن فرزندشان باعث خجالت والدین می‌شود. در اینجا است که باید به او فرصت داده شود راه خود را در کنار خانواده پیدا کند، چرا که در افتادن با

نوجوان جز راندنش از خود و حتی از خانواده ثمری ندارد. بنابراین برای پرورش هوش اخلاقی فرزندان در دوران نوجوانی باید به او کمک شود با آرامش بیشتری این سال‌های پر فشار را پشت سر بگذارد. در خانواده‌ای که در آن افراد ارتباط ضعیفی با هم دارند و نسبت به هم بی‌تفاوت باشند، بچه‌ها به جای ارتباط با پدر و مادر دائم با تلویزیون و رایانه ارتباط برقرار می‌کنند و به دلیل این بی‌توجهی انتقال ارزش‌ها به فرزندان هم صورت نمی‌گیرد.

کودک

هنگام تعلیم ارزش‌ها اگر بی‌حوصلگی، عصبانیت یا مشکلات شخصی خود را دخالت دهیم، هرگز موفق نخواهیم شد و جز وقت تلف کردن کاری انجام نداده‌ایم، قبل از هر چیز باید رفتار درست و غلط را به وضوح برای فرزندمان توضیح دهیم و او باید عواقب رفتار غلط را بداند.

برای این که ارزش‌ها را به زندگی فرزندمان وارد کنیم، فرصت‌های مناسب بسیاری در زندگی روزمره وجود دارد، می‌توانیم همراه فرزندمان به عیادت بیمار یا پرستاری از یک سالمند قایل برویم، می‌توانیم همراه فرزندمان کمک‌هایی را برای نیازمندان جمع‌آوری کرده و به اتفاق به دست آنان برسانیم، به منظور افزایش هوش اخلاقی فرزندمان بهتر است هنگام انجام دادن ارزش‌ها با وی همراه باشیم. فعالیت مشترک با فرزندمان بهتر از توضیح دادن ارزش‌هاست، با این کار بچه‌ها

منفعل نبوده و در حاشیه فقط به عنوان تماشاگر قرار نمی‌گیرند.

انتقال ارزش‌ها، پایه هوش اخلاقی «وقتی خانواده‌ها سالم و بی‌مشکل باشد، شهر نیز سالم خواهد بود؛ وقتی شهر سالم باشد، جامعه بزرگ انسانی در صلح و صفا زندگی خواهد کرد.»

گفته بالا، نقل قولی از کنفوسیوس، فیلسوف بزرگ چین است که عقیده داشت از راه رفتار درست می‌توان به نظم جهانی رسید. رفتارهای درست از نظر کنفوسیوس شامل صداقت داشتن با خود و دیگران، انسانیت، ایثار، صمیمیت، عدالت و دانایی است. به عقیده او، نطفه این ارزش‌ها در خانواده است. خانواده به عنوان اولین و بالاترین مکان برای انتقال ارزش‌ها به فرزندان است.

خانواده جای امنیت است، جایی که فرزندان در آنجا از حمایت بی‌قید و شرط بهره‌مند می‌شوند، البته خانواده‌ای سالم است که ارزش‌ها در آن آموزش داده و به مرور در فرزند درونی می‌شود. پدر و مادری که خود از نظر ارزشی قوی هستند، ارزش‌ها را در طول رشد به فرزندانشان یاد می‌دهند و فرزندان نیز ارزش‌ها را با خود به جامعه برده و با آن‌ها زندگی می‌کنند.

این مسئولیت به عهده پدر و مادر است البته اگر بچه‌ها یک یا چند ارزش را نشناختند، طبیعی است، ولی اگر پدر و مادر آن‌ها را به فرزندان خود منتقل نکنند یا بدتر از آن خودشان ارزش‌ها را نادیده بگیرند، این امر عادی نیست. در خانواده‌ای

که در آن افراد ارتباط ضعیفی با هم دارند و نسبت به هم بی‌تفاوت باشند، بچه‌ها به جای ارتباط با پدر و مادر دائم با تلویزیون و رایانه ارتباط برقرار می‌کنند و به دلیل این بی‌توجهی انتقال ارزش‌ها به فرزندان هم صورت نمی‌گیرد. وقتی نوجوان وارد مرحله بلوغ می‌شود،



مخالفت‌های خود را با ارزش‌های پدر و مادر شروع می‌کند.

پدر و مادری که تا آن زمان شاهد مخالفت آشکار فرزندشان نبودند، از آن به بعد شاهد بی‌ارزش شمردن ارزش‌هایشان، مخالفت‌ها و بهانه‌جویی‌ها از سوی نوجوانشان می‌شوند، گاه حتی لباس پوشیدن و حرف زدن فرزندشان باعث خجالت والدین می‌شود. در اینجا است که باید به او فرصت داده شود راه خود را در کنار خانواده پیدا کند، چرا که در افتادن با نوجوان جز راندنش از خود و حتی از خانواده ثمری ندارد.

بنابراین برای پرورش هوش اخلاقی فرزندتان در دوران نوجوانی باید به او کمک شود با آرامش بیشتری این سال‌های پر فشار را پشت سر بگذارد. هنگام تعلیم ارزش‌ها اگر بی‌حوصلگی، عصبانیت یا مشکلات شخصی خود را دخالت دهیم، هرگز موفق نخواهیم شد و جز وقت تلف کردن کاری انجام نداده‌ایم. قبل از هر چیز باید رفتار درست و غلط را به وضوح برای فرزندمان توضیح دهیم و او باید عواقب رفتار غلط را بداند.

برای این که ارزش‌ها را به زندگی فرزندمان وارد کنیم، فرصت‌های مناسب بسیاری در زندگی روزمره وجود دارد، می‌توانیم همراه فرزندمان به عیادت بیمار یا پرستاری از یک سالمند فامیل برویم، می‌گفتا دات آی آر، می‌توانیم همراه فرزندمان کمک‌هایی را برای نیازمندان جمع‌آوری کرده و به اتفاق به دست آنان برسانیم. به منظور افزایش هوش اخلاقی فرزندمان بهتر است، هنگام انجام دادن ارزش‌ها با وی همراه باشیم. فعالیت مشترک با فرزندان بهتر از توضیح دادن ارزش‌هاست، با این کار بچه‌ها منفعل نبوده و در حاشیه فقط به عنوان تماشاگر قرار نمی‌گیرند.

آموزش ارزش‌ها؛ آموزش هوش اخلاقی در آموزش ارزش‌ها این موارد را به یاد داشته باشید:

۱- به عنوان والد در انجام ارزش‌ها ثابت قدم باشید. مثلاً اگر می‌خواهید فرزندتان صداقت را بیاموزد، خودتان نیز مقابل او به دیگران دروغ نگویید.

۲- از لحظات مناسب برای آموزش و گفت‌وگو درباره ارزش‌ها با فرزندتان استفاده کنید؛ مثلاً هنگام بازی، پیاده‌روی و حتی درست کردن کیک.

۳- وقتی فرزندتان چیزی می‌گوید که مخالف ارزش‌های شماست، واکنش سریع

نشان ندهید، برایش مسأله را باز کنید و دلیل بیاورید.

۴- برای فرزندتان کتاب‌هایی درباره ارزش‌های اخلاقی و نتایج آن بخوانید.

۵- بچه‌هایی که والدیشان بر ارزش‌ها، اهمیت تحصیلات و تلاش برای رسیدن به هدف تأکید دارند، موفق‌تر خواهند بود و از نظر تحصیلی هم رشد بیشتری خواهند داشت.

۶- همیشه با همسران مؤدبانه رفتار کنید، مطمئناً فرزندتان در حال مشاهده رفتارهای شماست.

۷- به والدیتان احترام بگذارید و با لحن مناسب با آنان صحبت کنید تا فرزندتان بیاموزد چگونه با شما رفتار کند.

۸- فرزندتان را تشویق کنید با مستمندان و آسیب دیدگان مهربان و بخشنده باشد و فکر کند چگونه می‌تواند آنان را یاری کند.

۹- زمانی که دعا و نیایش می‌کنید، فرزندتان را در مراسم شرکت دهید تا او بیاموزد برای تغییر در هر موقعیتی باید فکرش را تغییر دهد و به خداوند توکل کند.

۱۰- به فرزندتان کمک کنید، متوجه شود اغلب ما بر اثر مواجهه و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات رشد می‌کنیم و یاد بگیرد به جای فرار از مشکلات با آنها رو به رو شود.

۱۱- بگذارید فرزندتان مسئولیت کارهایش را بپذیرد و به جای دفاع از او، وی را با پیامدهای کارهایش روبه‌رو کنید.

این توصیه‌ها را بخوانید

- رفتارهای اخلاقی را از فرزندتان بخواهید و کوتاه نیایید. کارشناسان دریافته‌اند والدینی که فرزندان بااخلاق بزرگ می‌کنند، بر رفتارهای اخلاقی تأکید می‌کنند و از فرزندانشان توقع دارند، مطابق ارزش‌های اخلاقی رفتار کنند.

- خانه بهترین مکان است تا فرزندتان از طریق آزمون و خطا بیاموزد چگونه بر وسوسه‌هایش پیروز شود و در شرایط پر تنش بر خود مسلط باشد.

- برای فرزندتان وقت بگذارید. به او یادآوری کنید چگونه با ادب باشد و هرگز تصور نکنید خودش راه و رسم ادب را می‌داند و نیاز به تذکر نیست.

- کلمات مؤدبانه اصلی را به وی یاد بدهید. کلماتی مانند «خواهش می‌کنم»، «متشکرم»، «ببخشید»، «معذرت می‌خواهم»، «اجازه دارم» و «لطفاً» را به فرزندتان یاد بدهید.

- فرزندتان باید بتواند تصمیم‌های اخلاقی بگیرد. به فرزندتان کمک کنید درباره نتایج عملش فکر کند و سپس با او همراه شوید، تصمیم‌های درست بگیرد.

- مطمئن شوید فرزندتان چه برنامه‌هایی را تماشا می‌کنند یا گوش می‌دهند تا جایی که ممکن است آنان را از تماشای تصاویر خشونت‌آمیز، تحقیرآمیز و تصاویری که همدلی را کم می‌کند بر حذر دارید.

- به رفتارهای بی‌احساس هشدار بدهید. هر بار که فرزندتان از روی نامهربانی رفتار کرد، به او هشدار دهید. این گام مهمی برای پرورش همدلی است؛ مثلاً همین که رفتار بی‌رحمانه‌ای می‌بینید هشدار بدهید. تا وقتی رفتاری تبدیل به عادت نشده است، راحت‌تر می‌توانید آن را تغییر بدهید.

- فرزندتان را به این مقوله که افراد چه احساسی دارند، حساس کنید. والدینی که به طور مستمر در واکنش به بدرفتاری فرزندشان بر احساس شخصی که مورد آزار و اذیت قرار گرفته تمرکز می‌کنند، فرزندانی با همدلی بیشتر تربیت می‌کنند. - به فرزندتان یاد بدهید محکم و قاطع باشد و قاطعانه با کسی که او را آزار می‌دهد، برخورد کند. فرزندتان باید یاد بگیرد رفتار نامناسب طرف مقابل را به او گوشزد کند و قاطعانه در برابر او بایستد.

- به فرزندتان کمک کنید بر شباهت‌ها تمرکز کند، آنان را تشویق کنید به جای تمرکز بر تفاوت‌ها به دنبال نقاط مشترک خود با دیگران باشد تا بردباری را بیاموزد و بهتر بتواند با دیگران کنار بیاید.

- به فرزندتان راه‌های مقابله با بی‌انصافی و بی‌عدالتی را آموزش دهید. برای تقویت هوش اخلاقی فرزندتان خود آن‌ها را تشویق کنید با بی‌عدالتی برخورد کرده و نسبت به آن واکنش نشان دهند.



بررسی میدانی تأثیر مهد کودک در آموزش ابتدایی (قسمت دوم)

پرورش، مسأله ضرورت آن مطرح شده و این آموزش‌ها از شناخت و اهمیت روز افزونی برخوردار گردیده است.

از سال ۱۳۹۸ در تهران در بعضی از شهرهای ایران، مسئول‌های مذهبی و اقلیت‌ها کودکان را تأسیس کردند و در امر مراقبت از کودکان تلاش‌هایی ابتدایی داشتند. از جمله خانم مسروزیان در تهران و سپس خانم خانزادیان در تبریز کودکان‌ها یا محل‌هایی برای نگهداری اطفال و کودکان دایر کردند که اکثر آن‌ها مربوط به خانواده‌های اقلیت‌های مذهبی بودند.

اولین کودکان‌ها در ایران در سال ۱۳۰۳ در شهر تبریز در محله صفی بازار توسط صبار باغچه‌بان به نام باغچه اطفال تأسیس شد، وی در سال ۱۳۰۷ شمسی نیز کودکان دیگری تأسیس کرد. البته کودکان خانواده‌های مرفه به خصوص کارمندان عالی رتبه به کودکان‌ها مزبور می‌رفتند و بازی‌ها و مراقبت‌های گروهی را تجربه می‌کردند. با استقبالی که از این کودکان‌ها به عمل آمد، طی مدت کوتاهی در تهران، پاره‌ای از شهرهای بزرگ از اسلوی بخش خصوصی کودکان‌ها را افتتاح شد که با برنامه‌های ساده‌ای از قبیل بازی‌های مرسوم آموزش مقدماتی، خواندن و نوشتن، نقاشی، عروسک بازی و... در جلب رضایت خانواده‌ها تلاش می‌کردند.



در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۳، شورای عالی فرهنگی، آئین‌نامه مکتب خانه را که فقط در تهران قابل اجرا بود، تصویب کرد. در سال بعد یعنی از ۲۹ فروردین سال ۱۳۰۴ نظام‌نامه مکاتب تهران بود. اگر چه همان‌طور که خواندید در سال‌های قبل از این تاریخ کودکان‌هایی در ایران افتتاح شده بود؛ اما اولین امتیازی که از طرف وزارت معارف و اوقاف و

ادامه از شماره قبل...

تعلیم و تربیت، پروراندن انسان پرسش جویی است که می‌خواهد از قیدهای بی‌شمار و گوناگون وجودی‌اش رها گردد. راه تکامل همه جانبه خود را هموار سازد. به رموز موقع خردی و اجتماعی خود دو دنیای متغیری که در آن زندگی می‌کنند تا آنجا که ممکن است آشنا شود. با دنیا و انسان‌هایش مرتبط گردد، زندگی دهد، زندگی کند و زندگی خود و دیگران را با عشق و دانش شکوفائی سازد، تعلیم و تربیت جمع پدیده‌ها و فعالیت‌هایی است که انسان را در این هزار گرد خلاق یاری می‌کند. بدو اجازه می‌دهد تا دنیا را روشن‌تر و آگاهانه‌تر ببیند و هنر دیدن و عشق ورزیدن و آفریدن، هنر بودن و زیستن را به او می‌آموزد و از آنجا که هیچکس جز خود او نمی‌تواند چنین هدف‌هایی را تأمین سازد، انسان هم یگانه هدف اصلی تعلیم و تربیت است و هم یگانه وسیله آن و نیز با تعلیم و تربیت است که بین این وسیله و هدف ارتباطی متقابل و تأثیرپذیر به وجود آورد تا این دو هیچگاه جدا از یکدیگر جلوه نکنند.

۵- آموزش و پرورش قبل از دبستان در ایران^۱

پیدایش، پذیرش و رشد بسیاری از مراکز پیش دبستان در کشورهای مختلف در نتیجه نیازهای گوناگون افراد جامعه، رشد صنعتی، حضور مادران در کارگاه‌های تولیدی فقر فرهنگی، تبدیل خانواده‌های گسترده به خانواده‌های هسته‌ای، عدم آگاهی والدین به روش‌های تربیتی کودک که سبب به وجود آمدن دشواری‌های جدید در درون خانواده‌ها می‌شود، صورت گرفته است. در کشور ما نیز کم و بیش این تغییرات سبب شده برای حل مشکلات خانواده‌ها و جلوگیری از مشکلات تربیتی کودکان خردسال مراکز آموزشی و مراقبتی خاصی تشکیل شود.

بنابراین آموزش و پرورش پیش از دبستان در کشور ما نیز در نتیجه نیازهای اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته و امروز با توجه به تحقیقات و نظریه‌های بسیاری از صاحب‌نظران امر آموزش و

«قانون بگذارید که: «حرف‌های متعصبانه ممنوع».

از ابتدا به فرزندتان یاد دهید متلک‌های تحقیرآمیز قومی ممنوع؛ چرا که این حرف‌های توهین آمیز طرف مقابل را آزار می‌دهد و باعث ترویج تعصب، نفرت و نابرداری می‌شود.

- معذرت بخواهید و بگویید متأسف هستید. یکی از مهارت‌های اخلاقی که از فرزندتان باید بخواهیم این است که در صورت اشتباه حتما عذرخواهی کند و خجالت نکشد.

- به فرزندتان فرصت جبران بدهید. به فرزندتان کمک کنید مسئولیت رفتار بدش را به عهده گیرد و جبران کند. او باید از پیامد اشتباهاتش باخبر شود و بداند چگونه آن را اصلاح کند.

به هر حال ایجاد ظرفیت هوش اخلاقی در کودکان شاید بزرگترین میراثی باشد که برای آن‌ها به جا می‌گذاریم. این توانایی‌ها در آینده می‌تواند بر تمام جنبه‌های زندگی کنونی آن‌ها و نیز کیفیت روابط، حرفه، خلاقیت و مهارت‌های زندگی



زناشویی و فرزندپروری‌شان اثر بگذارد و نقش آن‌ها را در تمامی ابعاد زندگیشان تغییر دهد. از آنجا که این فضایل همیشگی هستند و همه عمر با فرزندان ما می‌مانند و از آنجا که این درست همان چیزی است که در نهایت اعتبار آن‌ها را در مقام انسان تعیین خواهد کرد، می‌توان نتیجه گرفت که پی‌ریزی پایه و اساس هوش اخلاقی و سعی در ایجاد و حفظ آن اصلی‌ترین و دشوارترین وظیفه هر پدر و مادر است.

منبع کتاب پرورش هوش اخلاقی؛ میکل بوربا؛ ترجمه فیروز

کاووسی؛ انتشارات رشد

نهی و تنظیم: مزده جان، کارشناسی ارشد-روان‌شناسی تربیتی

صنایع متظرفه برای تأسیس کودکانها صادر شد به نام خانم برسابه هوپیان در تاریخ ۱۳۱۰/۴/۳۱ بود؛ خانم برسابه در یکی از کودکانها در ایران به صورت پراکنده و خصوصی دوره کار آموزی دیده بود و سال ۱۳۱۰ سر آغاز جدیدی در تاریخ آموزش و پرورش پیش دبستانی بود و طی سالهای قبل از آن سازمانی برای آموزش پیش از دبستان به معنی امروزی وجود نداشت.

اولین آئین نامه کودکانها در سال ۱۳۱۲ به تصویب شورای عالی فرهنگی رسیده که در ماه اول آن سن اطفال مورد پذیرش در کودکانها را ۷ - ۴ سال در نظر گرفته بود. در سال ۱۳۳۴ در وزارت فرهنگ اداره مستقلی برای کودکانها به تصویب رسید که در آن سن کودکان بین ۳-۶ سال قید شده بود و در سال ۱۳۴۰ این اداره منحل شد و تمام کارهای مربوط به کودکانها به اداره کل تعلیمات ابتدایی محمول گردید. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۴۰ از سوی دولت تلاشهای بیشتری و مستمری برای ایجاد کودکانها آغاز شد و با ایجاد کودکانهایی در سایر شهرها، کودکان خانوادههای طبقه متوسط را زیر پوشش قرار داد. در این سال آموزش و پرورش پیش از دبستان از توجه و تحرک چشمگیر بخش خصوصی و دولتی برخوردار گردید و با نیازی که به امور تربیت مربی برای کودکانها و مهدهای کودک احساس شد و در این راه نیز تلاشهایی آغاز گردید. تأسیس شورای کتاب در سال ۱۳۴۱ و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۵ با هدف عمده کوشش در راه بهبود کیفی کتابهای کودکان پیش از دبستان و دبستان نیز در افزایش توجه به آموزش کودکان سهم مؤثری داشته است. به هر حال تأسیس در سال ۱۳۲۲ در سراسر کشور فقط ۷ کودکانها وجود داشت و از سال ۱۳۳۱-۱۳۲۲ یعنی در طول ۹ سال تعداد به ۷۴ و در سال ۱۳۵۱-۱۳۵۰ به ۴۳۱ افزایش یافت.

در سال ۱۳۴۶ به منظور تربیت نیروی انسانی برای این گونه مراکز، آموزشگاههای کودکپاری آغاز به کار کردند که البته اساس نامه و برنامههای دروس آموزشگاهی کودکپاری در سال ۱۳۴۵ به تصویب شورای عالی فرهنگی رسید و چند سال بعد نیز برخی از دانشکدههای تربیتی رشته مربی کودک و آموزش و پرورش پیش از دبستان را دایر نمودند که از آن جمله مدرسه عالی سفیران و دانشگاه ابوریحان تلاشهای مستمری در این جهت مبذول داشتند.

در سال ۱۳۵۰ اداره کل تعلیمات ابتدایی به دفتر برنامه ریزی آموزش ابتدایی تغییر نام داد و واحد کودکانها مسئولیت طرح و برنامه ریزی آموزشی و پرورش پیش از دبستان را عهده دار شد. در سال ۱۳۵۴، با توجه به توسعه کودکانها و تربیت مربی کودک، دفتر برنامه ریزی آموزش ابتدایی به دفتر آموزش کودکانی و ابتدایی تغییر نام یافت و بالأخره در سال ۱۳۵۹ در اداره کل و سپس در دفتر آموزش عمومی ادغام شد. همچنین در اینجا باید اشاره کرد که بر طریق آخرین آئین نامه کودکانها که در سال ۱۳۴۹ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید و اجازه تشکیل کلاسهای آمادگی ضمیمه دبستان را داده بود، سن کودکان کودکانستانی ۳-۶ سال تعیین شد. در سال ۱۳۵۳ وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه ای اصلاحاتی در مواد آیین نامه مذکور صورت داد که براساس آن فقط کودکان ۵ سال تمام حق ثبت در کلاسهای کودکانها را داشتند که تا به امروز ادامه دارد.

صدور امتیاز تشکیل کلاسهای آمادگی برای نگهداری کودکان زیر سه سال و یا به صورت شبانه روزی وجود داشت که بنام پانسیون و مهد کودک خوانده می شد و امتیاز این گونه مراکز را اتاق اصناف صادر می کرد.

سازمان بهزیستی فعلی با اغلال سازمان زنان، سازمان ملی رفاه خانواده، سازمان تربیتی، شهرداری تهران، انجمن ملی حمایت کودکان از سال ۱۳۵۹ شکل جدید به خود گرفت و از سالهای ۱۳۵۵ در امر نگهداری کودکان توجهات روز افزونی مبذول داشت. در راستای هدفهای جدید اجازه تأسیس پانسیونها و مهد کودک به عهده سازمان بهزیستی محول شده است.

البته باید اضافه کرد که از سال ۱۳۵۴ در وزارتخانههای مختلف نیز مهدهای کودک دایر شد



که ضوابط آنها از طرف سازمان زنان ایران اعلام شده بود.

در سال ۱۳۵۶ نیز به منظور تشکیل مهد کودک و نگهداری کودکان زنان مشاغل، بودجه ای در کلیه وزارتخانه و سازمانهای دولتی پیش بینی شد و سازمان زنان مسئولیت تشکیل و نظارت بر آنها را بر عهده داشت که بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی و ادغام سازمان زنان این وظایف به عهده سازمان بهزیستی کنونی واگذار شد.

در مرداد ماه ۱۳۵۸ هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران هر کارخانه ای و یا کارگاهی را که زنان کارگر آن حداقل صاحب ده کودک بودند، موظف به تأسیس مهد کودک در آن واحد کرد و در سال ۱۳۶۶ نیز سازمان بهزیستی کشور به عنوان مرجع رسمی در امور نظارت بر اداره امور و برنامه ریزی مهدهای کودک به شورای عالی فرهنگی معرفی شد. هم اکنون انواع مهدهای کودک تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور اعم از مجتمعهای خدمات حمایتی، مهدهای کودک مجتمعهای خدمات بهزیستی روستایی، مهدهای کودک خصوصی، مهدهای کودک خودکفا و مهدهای کودک وابسته به مؤسسات دولتی در سراسر کشور فعال هستند و به امر تعلیم و تربیت و نظارت کودکان پیش از دبستان اشتغال دارند.

انواع دوره های پیش دبستانی و ویژگی های برنامه های آنها

دوره های پیش از دبستان انواع مختلفی دارد و هر کدام از آنها ویژگی های خاص و برنامه های متفاوت از همدیگر دارند. در اینجا هر کدام را به اختصار توضیح می دهیم:

۱- مرکز مراقبت های خانگی: این عقیده که خانه اولین و مناسب ترین مکان برای مراقبت و آموزش کودکان محسوب می شود و والدین برای فرزندانشان در خانه برنامه هایی تدارک می دیدند. شکی نیست البته دولت تسهیلاتی را برای این مراکز به وجود آورده بود تمام روز فعال هستند و این مراکز از حداقل معیارهای بهداشتی و ایمنی برخوردار بودند.

۲- مراکز مراقبت روزانه: بیشتر در کارخانه ها، بیمارستان ها، دانشگاه ها، مدارس دولتی و یا محل های دیگر برگزار می شد که هم به صورت تمام وقت بود و برای کودکانی که مادرانشان کار می کردند طراحی گردیده که تجارب آموزش فنی، مراقبت های بهداشتی و پزشکی واجتماعی تدارک دیده شده بود.



۱۱ الی ۱۲ ساعت فعالیت می‌کردند یعنی از صبح تا ۶ بعدازظهر علاوه بر کودکان پیش دبستانی کودکان سنین مدرسه‌ای نیز در این مراکز نگهداری می‌شود. بودجه تسهیلات دولتی نیز برای خانواده‌های بی‌بضاعت وجود داشت.

۳- مهد کودک‌ها: معمولاً به صورت خصوصی اداره می‌شوند و یا به صورت تعاونی و اشتراکی فعالیت می‌کنند و بیشتر در ساختمان‌های خصوصی و بعضی از مدارس دولتی قرار دارند. معمولاً برای کودکان سنین ۵ تا ۵/۵ سال به صورت نیمه وقت صبح‌ها و بعدازظهر کار می‌کنند. هدف اینگونه برنامه‌ها از نظر فلسفه و عقاید زیربنایی متفاوت است. معمولاً هدف اساسی، تدارک، آموزش و پرورش و تغذیه مناسب برای کودکان زیر سن ۵ سالگی است که از این طریق نیازهای اجتماعی، عاطفی و جسمی و ذهنی کودکان را تأمین می‌کند. بودجه دولتی برای چنین خدماتی فراهم نیست.

۴- کودکان‌ها: اینگونه برنامه‌ها در جهت بر آوردن نیازهای کودکان قبل از ورود به کلاس اول تدارک دیده شده‌اند، بعضی دولتی و عمومی و بعضی خصوصی هستند. کودکان‌ها معمولاً بوسیله تیم مدارس اداره می‌شوند و برای کودکان ۵ و ۶ ساله طراحی شده‌اند برنامه‌ها ممکن است نیمه وقت یا تمام وقت باشند. بر ایجاد آمادگی در کودکان تمرکز دارند و عمدتاً هم به وسیله معلمانی که مجوز تدریس دارند و مربیان متخصص اداره می‌شوند.

۵- مدارس آزمایشگاهی: به منظور آموزش معلمان و به منظور فراهم آوردن امکانات تحقیقاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، معمولاً دانشجو معلمان از طرف مؤسسات آموزش عالی در این محل‌ها کار می‌کنند.

۶- تعاونی‌های والدین: این برنامه‌ها رأی کودکان دو سال و نیم تا پنج سال است و به وسیله والدین و به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌ها برای کودکان‌شان تدارک دیده می‌شود این برنامه‌ها دو منظوره بودند و علاوه بر فراهم آوردن برنامه‌های آموزشی برای کودکان، آموزش‌هایی را نیز برای والدین تدارک می‌بینند والدین در مسئولیت‌ها و وظایف آموزشی و پرورشی با معلمان و مربیان شریک می‌شوند و به آن‌ها کمک می‌کنند و در مقابل معلمان به طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی و تنظیم سایر امور اشتغال دارند.

۷- مراکز رشد و پرورش کودک: این مراکز که برنامه‌هایی چون سر آغاز را شامل می‌شود از

کمک‌ها و تسهیلات دولتی، ایالتی و یا محلی برخوردارند. مقصود از این گونه حمایت‌های مالی نیز علاوه بر کمک به والدین نیازمند و اشتغال برای آن‌ها، استخدام و تأمین کار برای معلمان نیز می‌باشد. مهم‌ترین مقاصد اینگونه مراکز ایجاد برنامه‌های آموزشی برای کودکانی که از نظر اقتصادی محروم هستند و بتوانند برای موفقیت‌های بعدی در مدرسه آمادگی لازم را داشته باشند، والدین به عنوان دستیار در کلاس‌ها و یا کمیت‌های مشورتی حضور فعال دارند.

۸- مهد کودک سیار: مهد کودک سیار با حداقل امکانات ایجاد می‌شود و به راحتی می‌توان آن را برچید و در مکانی دیگر راه اندازی کرد که بیشتر هندیان از این روش استفاده و بهره می‌گرفتند.

اهداف آموزش و پرورش قبل از دبستان^۶

آموزش و پرورش پیش از دبستان عبارت است از آموزشی که از زمان تولد آغاز شده و تا شروع اولین کلاس رسمی دبستان در پایان ششمین سال زندگی کودک ادامه می‌یابد.

تحقیقات گسترده علمی ثابت کرده اند که ۶ سال اولیه زندگی از لحاظ رشد هوش و شکل‌گیری شخصیت دورانی سرنوشت ساز است و به همین لحاظ از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. در بسیاری از فرهنگ‌هایی از جمله فرهنگ ما پدر و مادر مسئولیت و نقش بسیار مهمی در تربیت کودکان خود دارا می‌باشند. شکی نیست که دامن مادر و خانواده می‌توانند بهترین مربی و محیط تربیتی باشد؛ ولی در جهان صنعتی امروز این امر به خوبی تحقق نمی‌یابد؛ اشتغال مادران و عدم آگاهی‌های والدین از نیازهای کودک در هر دوره از رشد ضرورت وجود دوره و محیط‌های آموزشی پیش از دبستان را روشن‌تر می‌نماید؛ ولی این دوره‌ها باید بر مبنای صحیح و اهدافی مشخص پایه‌گذاری شود، اهداف اساسی مورد نظر در این دوره عبارتند از:

۱- رشد بدنی و اعمال حسی و حرکتی: در این زمینه مهارت‌های لازم بدنی و تحرک و جنب و



جوش و همچنین مراقبت‌های بهداشتی و توجه به تغذیه مطرح است.

۲- رشد اجتماعی کودکان: همکاری با دیگران و شرکت در فعالیت‌ها و بازی‌های گروهی احترام به حقوق هموعان و احساس مسئولیت به عنوان یک عضو مؤثر در گروه همچنین سازگاری اجتماعی در محیط و آموزش مفاهیم ساده دینی و تقویت اعتقادات معنوی و اخلاقی بیشتر مد نظر است.

۳- رشد ذهنی و عقلانی کودکان با حس کنجکاوی کودک توانایی استدلال، پیدا کردن راه حل مشکلات ساده، کاربرد واژه‌های تازه در فعالیت‌های روزمره، شناسایی محیط اطراف، تمیز پدیده‌های ساده علمی، رشد خلاقیت توانایی و آمادگی ذهنی لازم برای مراحل بعدی آموزش از جمله اهداف این دوره است.

۴- رشد عاطفی کودکان، ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب، احساس امنیت، ابراز احساسات خود به طور طبیعی، مهار جنبه‌های هیجانی و افراطی کودک و در پایان کودک را به عنوان یک کل در نظر گرفت و جنبه‌های مختلف او را رشد داد تا به طور طبیعی بر همدیگر تأثیر بگذارند.

داشتن اهداف فوق ایجاد برنامه‌های لازم آموزشی را سهل‌تر می‌سازد و در وقت و انرژی مربی و کودک صرفه جویی کرده و مفیدترین برنامه را می‌توان هدایت و تحقیق بخشید.

دوره اساسی یا قصد کلی دوره پیش از دبستان

در نظام جدید آموزش و پرورش نخستین مرحله از آموزش و پرورش عمومی اساس نام دارد. طول آن دو سال و گذراندن آن برای همه نوع آموزان ۵/۵ سال تمام اجباری است، مرحله اساس شالوده و پا به ساختمان و بنیان آموزش و یا تعلیم و تربیت است و یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مراحل آن است در نظام جدید چنین فرضی شده که اساس به منزله شالوده ساختمانی است که اگر سستی‌های زمینه را برطرف کرد می‌توان بنای مستحکمی بر آن استوار کرد. مهم‌ترین دلایل ایجاد مرحله اساس به طور خلاصه این است که:

الف: بنابر یافته‌های روان‌شناسی رشد و تربیت در سنین ۶ و ۷ سالگی مرحله حساس و تعیین کننده است در این مرحله رشد سریع ادراکی کودک ایجاد می‌کند که در قالب روش‌های مناسب، آموزش‌های بنیادی به وی داده شود.

ب: در محیط ایران با تنوع فرهنگی و تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی روبرو هستیم و لذا نو آموز در بدو ورود به مدرسه با مشکلات متعددی روبرو شود

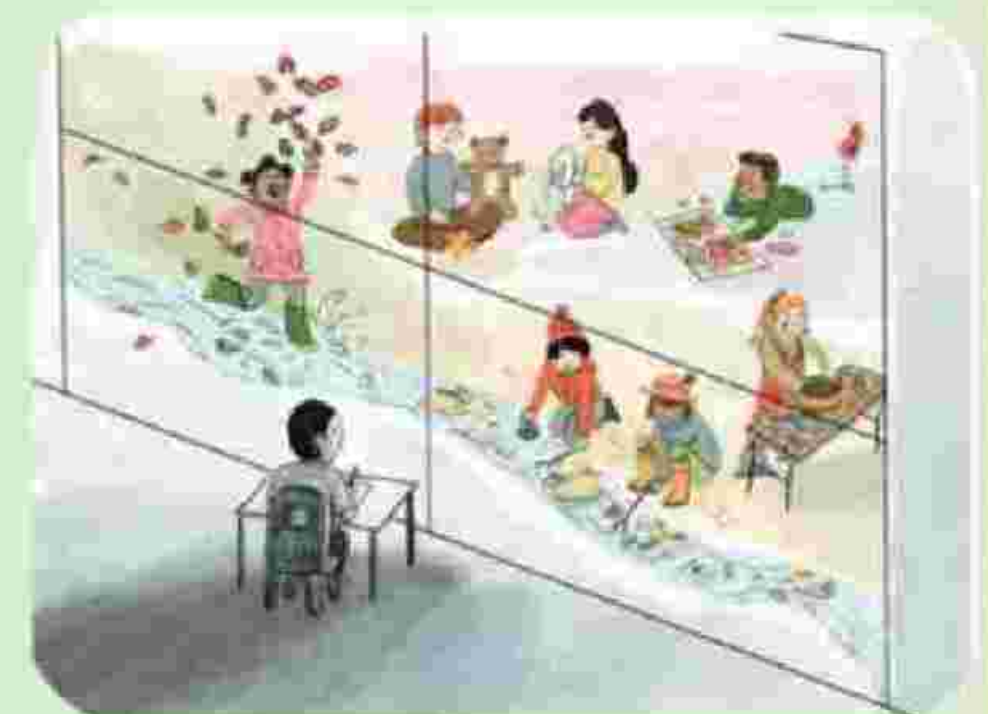
که راه پیشرفت تعلیم و تربیت مناسب را ببندد و افت تحصیلی را به همراه می‌آورد وجود یک مرحله آموزش و پرورش جبرانی در ابتدای تحصیل خصوصاً برای اقشار محروم.

ج: ورود نو آموزان بدون تمهیدات لازم از کانون گرم خانواده به یک محیط خشک و جوی شلوغ مانند دبستان‌های فعلی معمولاً همراه با ضایعه است و در حال حاضر بالاترین رقم تکرار و افت تحصیلی در پایه اول ابتدایی متمرکز است و یکی از دلایل آن عدم تجانس محیط مدرسه و خانواده ذکر شده است.

د: علاوه بر حساسیت این مرحله جدا کردن این مرحله از سایر مراحل تحصیلی و توجه بیشتر به کیفیت آموزش و پرورش آن زمینه لازم را برای ایجاد یک پایه قوی در امور تحصیلی آینده نو آموز فراهم می‌آورد.

ه: ایجاد دوره اساس فرصت مناسبی است که پیاده کردن اصول تعلیم و تربیت اسلامی و شیوه‌های جدید آموزشی و استفاده از معلمان واجد شرایط و به کار بستن روش‌های مناسب و کارآمد اجرایی و اداری را تسهیل می‌کند.^۷

روش تحقیق



این تحقیق بر اساس روش توصیفی از نوع مقایسه ای یا پس رویدادی می‌باشد و هدف از انجام این روش توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات دانش‌آموزانی که دوره پیش دبستانی را گذرانده‌اند به عبارت دیگر ما در این تحقیق خواهیم کوشید تا آنچه را که وجود دارد را بدون هیچگونه دخالت ذهنی خود عیناً نتیجه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را که دوره پیش دبستانی را طی کرده‌اند را بدست آوریم.

جامعه آماری

تمامی دانش آموزان پایه اول ابتدایی (دختر) سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰ شهر تهران جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند.

روش نمونه گیری (تعیین حجم نمونه)

در ابتدا تعدادی مدارس به صورت تصادفی انتخاب و نمونه گیری شد و انتخاب نمونه با توجه به ملاکهای ذیل بوده است:

۱- کودکی که آموزش پیش دبستانی را دیده است و یا دوره پیش دبستانی را ندیده است در یک کلاس باشد.

۲- کودک آموزش دیده و آموزش ندیده از نظر مدرسه، کلاس و علم شرایط یکسانی داشته باشد.

بحث و نتیجه گیری

دوره پیش دبستانی از مراحل مهمی است که می‌تواند در تربیت، آماده سازی و رشد مهارت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کودکان تاثیر بسزایی داشته باشد.

هدف از تحقیق حاضر بررسی میزان تأثیرگذاران یا نگذاردن دوره پیش دبستانی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهرستان شهریار در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ بوده است.

پیشنهادهای

۱- اجباری نمودن دوره پیش دبستانی با توجه به اهمیت آن برای تمامی کودکان.

۲- کمک به مراکز پیش دبستانی از نظر امکانات مالی و منابع آموزشی و کمک آموزشی.

۳- مربیان این دوره حتماً آموزش‌های لازم را برای دوره پیش دبستانی بگذرانند.

۴- توصیه مسئولین به مدیران و مربیان این دوره در جهت اهمیت دادن بیش از حد به کودکان این دوره.

۵- توصیه مسئولین به مدیران این مراکز در خصوص همکاری و مساعدت با محققان در این رابطه.

ارجاعات:

۴- سره، صفری، مجله رشد "علم ویژه دبستان و پیش دبستان"، سال دوازدهم، ص ۵۷.

۵- مفیدی، فرخنده، آموزش و پرورش پیش دبستانی، چاپ اول، انتشارات پیام نور، سال ۱۳۷۲، ص ۸۱.

۶- مصدقی، مجتبی، "مجله رشد معلم ویژه دبستان و پیش دبستانی"، دوره ششم، سال ۷۱-۷۲، ص ۳۶-۳۷.

۷- وزارت آموزش و پرورش، طرح کلیات نظام جدید، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، خرداد ماه ۶۷.

منابع و مأخذ:

۱- آدگافور، آموختن برای زیستن، مجید رهنما، سال ۱۳۵۴.

۲- اسپارگ، برنارد، آموزش در دوران کودکی، حسین نظری نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۳۶۶.

۳- آقازاده، احمد، آ. پ تطبیقی، جلد اول و دوم، چاپ اول، انتشارات پیام نور.

۴- آناستاری، تفاوت‌های فردی، مترجم: جواد ظهوریان، چاپ دوم، انتشارات آستانه قدس رضوی، سال ۱۳۶۹.

۵- پژوهش‌های آموزشی، پائیز ۱۳۷۰، دفتر پژوهشی وزارت آ.پ.

۶- سره، صفری «مجله رشد معلم ویژه دبستان و پیش دبستانی»، سال دوازدهم.

۷- عیسی زاده منشی، مصطفی، تاثیر دوره آمادگی بر بر پیشرفت تحصیلی، کلاسهای چهارم و پنجم، پایان نامه فوق لیسانس، دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۶۰.

۸- مصدقی، مجتبی «مجله رشد معلم ویژه دبستان و پیش دبستانی» دوره ششم، سال ۷۲-۱۳۷۱.

۹- مفیدی، فرخنده، آموزش و پرورش پیش



دبستانی، چاپ اول، انتشارات پیام نور سال ۱۳۷۲.

۱۰- وزارت آموزش و پرورش، طرح کلیات نظام جدید، انتشارات وزارت آموزش و پرورش خردادماه ۶۷.

تهیه و تنظیم: آزاده جعفری کارگر: دکترای اقتصاد مالی، مدیرگروه کسب و کار و مسئول بخش کارآفرینی

کاربرد تکنولوژی آموزشی در مراکز مهد کودک و پیش دبستانی

امروزه تکنولوژی، اعم از ساده و پیچیده به عنوان ابزاری برای ایجاد تسهیل در امر تدریس و یادگیری در نظام‌های آموزشی به کار می‌روند. این وسایل از حیث این که نظریه و عمل را با هم ترکیب کرده، باعث ماندگاری یادگیری و تنوع بخشی در کلاس درس می‌شوند، حائز اهمیت می‌باشند.

بر اساس یافته‌های روان‌شناسی یادگیری، فراگیران از طریق دیدن و به کارگیری وسایل مختلف، مطالب درسی را بهتر و راحت‌تر می‌آموزند؛ زیرا وسایل آموزشی به سبب فعال کردن حواس مختلف دانش‌آموزان، امر آموزش را واقعی‌تر، عملی‌تر و دل‌پذیرتر می‌سازد. امروزه استفاده از وسایل آموزشی به عنوان یک روش دستیابی به آرمان تأمین فرصت برابر آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، کشورهایی که از تکنولوژی آموزشی به طور معقول و مطلوب بهره گرفته‌اند، بسیاری از مشکلات آموزشی خود را از بین برده یا کاهش داده‌اند. برنامه‌های فن‌آوری آموزشی در آموزش و پرورش باید کیفیت بخش نظام آموزشی باشد و استفاده از قابلیت‌های نوین، می‌تواند گام مؤثری در راستای برنامه تحول در آموزش و پرورش به شمار آید.

با وجود ورود فن‌آوری آموزشی به نظام آموزشی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت برای مربیان و معلمان، این سؤال مطرح می‌شود که چرا استفاده از فن‌آوری‌های آموزشی در فرایند تدریس و یادگیری به کندی پیش می‌رود و یا دارای وضع مناسبی نیست.

عوامل زیادی در عدم به کارگیری تکنولوژی آموزشی توسط مربیان دخیل هستند، از جمله می‌توان به عدم اطلاع مربیان از مفهوم تکنولوژی آموزشی، تراکم دانش آموز در کلاس، عدم تمرین عملی مربیان، عدم امکانات فیزیکی و تجهیزات کافی در مدارس و استفاده از روش‌های سنتی تدریس، اشاره کرد.

مفهوم تکنولوژی آموزشی

تکنولوژی آموزشی عبارت است از مجموعه روش‌ها و دستورالعمل‌هایی که با استفاده از یافته‌های علمی برای حل مسائل آموزشی اعم از طرح، اجرا و ارزش‌یابی در برنامه‌های آموزشی به کار گرفته می‌شود.

آخرین تعریف مورد توافق صاحب نظران تکنولوژی آموزشی را انجمن تکنولوژی و ارتباطات امریکا چنین بیان کرده است: «تکنولوژی آموزشی عبارت است از نظریه و عمل طراحی، تهیه، استفاده، مدیریت و ارزش‌یابی فرایندها و منابع و یادگیری.»

مزایای استفاده از تکنولوژی آموزشی در آموزش کودکان

نقش فن‌آوری در آموزش کودکان در محیط مهد کودک و پیش دبستانی موضوعی بحث انگیز است. والدین و مربیان پیش از فوایدی که تکنولوژی برای کودکان دارد، نگران ضررهای هستند که تکنولوژی می‌تواند به آن‌ها برساند. برخی از منتقدین معتقدند که فن‌آوری در این گونه محیط‌های آموزشی اتلاف وقت و هزینه است، به این دلیل که باعث کاهش تجربه‌های یادگیری کودکان می‌شود. در مقابل طرفداران معتقدند که باید به کودکان این فرصت داده شود تا از فن‌آوری‌های جدید استفاده کنند. ناظران نگران چگونگی استفاده از فن‌آوری در مهد کودک هوشمند و فرایند آموزشی خردسالان هستند و معتقدند که در صورت به کارگیری ابزارهای صحیح، می‌توان از آن استفاده کرد. کودکان در مقایسه با نوجوانان و بزرگترها نیازهای متفاوتی دارند. به همین دلیل برای مربیان آن‌ها ضروری است که مهارت‌های خود را در استفاده از فن‌آوری را توسعه دهند.

کودکان از بدو تولد تا هشت سالگی به سرعت یاد می‌گیرند و از تمامی بدن و حواس خود برای تجربه محیط اطراف استفاده می‌کنند. آن‌ها مهارت‌های شناختی و شخصیتی را توسعه می‌دهند. مهارت‌های شناختی، مهارت‌های اصلی مغز برای تفکر، خواندن، یادگیری، به یاد آوردن چیزها و توجه است. در حالی که مهارت‌های شخصیت، مهارت‌هایی مانند تمایل به یادگیری، همکاری، تاب‌آوری و غیره است. کودکانی که در دهه‌های اخیر متولد شده‌اند، بسا باهوش و فعال می‌باشند. از سنین پایین، بیشتر این کودکان تلفن همراه و تبلت دارند. آن‌ها در دنیایی رشد می‌کنند که مجموعه وسیعی از فن‌آوری‌ها آن‌ها را احاطه کرده است. از زمانی که از خواب بیدار می‌شوند تا شب، از فن‌آوری‌های متعدد برای مشارکت در

برنامه‌های منزل، آمادگی برای مدرسه، شرکت در فعالیت‌های کلاس و تعامل با دیگران، استفاده می‌کنند. با توجه به نفوذی که رسانه در زندگی امروزی کودکان دارد، در این جا به مزیت‌های استفاده از فن‌آوری در پیش دبستانی و مهد کودک اشاره می‌شود:

۱- بهبود یادگیری و پیشرفت کودکان: کودکان امروز در دوره‌ای دیجیتال متولد می‌شوند؛ باید برای زندگی دیجیتالی که پیش روی آن‌ها است، آماده شوند. استفاده صحیح از فن‌آوری می‌تواند، توانایی‌های شناختی و اجتماعی خردسال را ارتقاء دهد. به عنوان مثال گاهی از پروژکتور در پیش دبستانی‌ها، مانند مدارس استفاده می‌شود. همچنین می‌توان با انجام بازی‌های تعاملی و فعالیت‌های یادگیری آنلاین نیز این کار را انجام داد. کودکان بازی‌ها و فعالیت‌های جذاب را دوست دارند و به خصوص جذب رنگ‌ها و ویژگی‌های انیمیشن می‌شوند. این کار، تفکر آن‌ها را بهبود بخشیده و به آن‌ها کمک می‌کند، مهارت‌های مورد نیاز جامعه را در خود توسعه دهند.



۲- تشویق تمایل رفتن به مدرسه و رشد شناختی: استفاده از فن‌آوری در مهد کودک و پیش دبستانی برای آموزش کودکان، یادگیری را به روندی جذاب و لذت‌بخش تبدیل می‌کند. برای این که فن‌آوری در آموزش پیش از دبستان ارزشمند باشد، باید چشم‌اندازهایی برای کودکان فراهم کند که مهارت‌های لازم برای آمادگی حضور در محیط آموزشی را در آن‌ها ایجاد کند. طبق تحقیقات، کودکان سه و چهار ساله که با استفاده از رایانه یاد می‌گیرند، نسبت به افرادی که از فن‌آوری استفاده نمی‌کنند، دارای مهارت قابل توجهی در استدلال، حل مسأله و مهارت‌های مفهومی هستند.

۳- ظرفیت بالای توجه بصری: برنامه‌های بازی و یادگیری به کودکان این امکان را می‌دهد که برای تکمیل فعالیت‌ها توجه بیشتری به جزئیات داشته باشند. تعداد زیادی بازی یادگیری دیجیتالی وجود

مختصری درباره اقتصاد آموزش (بخش نخست)

که رشته‌های پزشکی، فنی، و علوم طبیعی و اجتماعی را تدریس می‌کرد، پایه‌گذاری گردید. بعد از ورود اسلام به ایران، مساجد، مکتب‌خانه و حوزه‌های علمیه، مراکز اصلی تعلیم و تربیت شدند. دروس اصلی مدارس آن زمان، صرف و نحو عربی و منطقی بود که عموماً فرزندان طبقات متوسط در آن آموزش می‌دیدند و طبقات بالای جامعه برای فرزندان خویش معلم سرخانه استخدام می‌کردند. در چنین نظام قشربندی که البته با نظام کاستی پیش از اسلام تفاوت اساسی کرده بود، فرزندان طبقات پایین‌تر، به ویژه در مناطق روستایی، به ندرت سواد می‌آموختند.

تأسیس مدارس جدید ابتدایی و متوسطه، به سبک اروپایی، مقارن مشروطیت و سلطنت احمدشاه بود، هر چند که پیش از این مقدمات تأسیس دارالفنون فراهم شده بود. ریشه‌های تغییر نظام آموزشی به اوایل دوره قاجاریه و جنگ‌های ایران و روس برمی‌گردد که طی آن رهبران جامعه از تحولات غرب مطلع شدند و به عقد قراردادهایی مبادرت ورزیدند. اجزای این قراردادها، به ویژه قرارداد عباس میرزا و انگلیس که اعزام محصل به خارج را نیز در بر می‌گرفت، زمینه‌ساز ورود اندیشه غرب به عنوان یک حرکت غیردینی به ایران می‌باشد. با وقوع انقلاب مشروطیت، که ریشه در تحولات اجتماعی ایران داشت، تغییر نظام آموزشی و شکل‌گیری نهاد جدید آموزش سرعت گرفت. البته بعد از سال‌های ۱۳۱۳، با ورود دوباره اندیشه

۱. بررسی مسئله

از دیرباز تاکنون، توسعه یافتن مسئله اصلی کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته بوده است. آنچه مسلم است، دو منبع طبیعی و انسانی عناصر اصلی موجد توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند و ترکیب و تناسب مطلوب آن‌ها، توسعه به بار می‌آورد. لیکن هدایت منابع طبیعی به وسیله منابع انسانی میسر است. در اینجا کمیت و کیفیت منابع انسانی در فرآیند توسعه مؤثرند. منابع طبیعی و منابع انسانی در کنش متقابل هستند؛ لذا ارتقاء کمی و کیفی منابع انسانی بر منابع طبیعی و سرمایه، در یک دوره زمانی تأثیر می‌گذارد، به ویژه اگر دولت‌ها استراتژی‌های خاصی را در پیش گیرند. به طور مثال، انتخاب استراتژی توسعه اقتصادی مبتنی بر ساز و کار بازار، مسئله بررسی تأمین مالی ارتقاء منابع انسانی از سوی دولت را با اهمیت‌تر می‌کند. به هر حال، آموزش ابزاری است که منابع انسانی را به طور کیفی ارتقاء می‌دهد و یک سرمایه‌گذاری خوب محسوب می‌شود که بازدهی اقتصادی و اجتماعی دارد. هزینه مالی آموزش برحسب درجه توسعه یافتگی یک کشور (شاخص‌های توسعه) متفاوت است و هرچه کشور توسعه نیافته‌تر باشد به منابع مالی بیشتری برای گسترش آموزش نیاز دارد. این در شرایطی است که سایر بخش‌های اقتصادی نیز برای کسب اعتبارات بیشتر، توان مالی دولت را تقلیل می‌دهند. در این هنگام، نابه‌سامانی در تأمین مالی آموزش، ممکن است با تخصیص نامناسب بودجه آموزش نیز همراه گردد و مسئله را غامض‌تر نماید. این گزارش مسئله تخصیص بهینه بودجه آموزش در ایران را با توجه به چرخش سیاست اقتصادی حرکت به سمت اقتصاد بازار، بررسی می‌نماید.

۲. تاریخ مختصر آموزش و پرورش در ایران

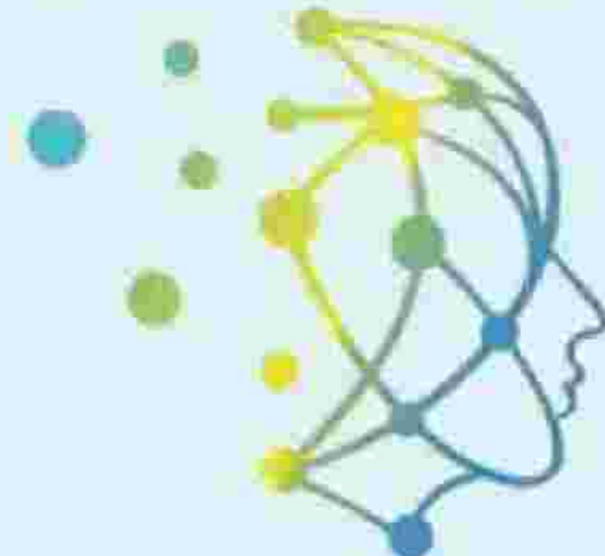
آموزش در ایران، قدمتی دیرینه دارد. بررسی تاریخی آموزش به اختصار در دوره قبل از ورود دین اسلام به ایران نشان می‌دهد که آموزش بر اساس تعالیم دین زردشت توسط جامعه و والدین انجام می‌شد. در زمان حکومت ساسانیان (۲۲۴ قبل از میلاد تا ۶۴۲ بعد از میلاد) نخستین دانشگاه

دارد که معلمان می‌توانند از آن‌ها برای مشغول کردن کودکان در محیط مهد کودک استفاده کنند. ۴- **بهبود مهارت‌های ارتباط اجتماعی:** یک مزیت اساسی استفاده از فن‌آوری در آموزش‌های کودکان درمهد کودک این است که به پیشرفت مهارت‌های تعامل اجتماعی کودکان خردسال کمک می‌کند. این واقعیت که این کودکان با استفاده از فیلم، ابزار یادگیری چند رسانه‌ای، آموزش می‌بینند به آن‌ها امکان می‌دهد، مهارت‌های لازم برای ارتباط با دیگران را توسعه دهند. هنگامی که از فن‌آوری به شیوه صحیح استفاده شود، می‌تواند به همکاری با سایر افراد کمک کند. این به آن‌ها فرصت به اشتراک گذاشتن ایده‌هایشان را می‌دهد.

۵- **توسعه مهارت‌ها و استعدادها:** مربیان در مهد کودک باید از فن‌آوری برای پیشرفت مهارت‌ها و استعدادهای کودکان استفاده کنند. استفاده از رسانه‌های تعاملی باعث می‌شود تا کودکان در معرض فعالیت‌هایی باشند که دوست دارند. هنگامی که کودکان در معرض موسیقی یا تمرین نوشتن روی صفحه قرار می‌گیرند، والدین می‌توانند، علایق فرزندان خود را کشف کنند. کودکان از آن چه در ژیمناستیک یا مسابقات ماشین اتفاق می‌افتد، ممکن است ایده بگیرند. بنابراین استفاده از فن‌آوری راهی مناسب برای کشف استعدادهای کودکان پیش روی ما قرار می‌دهد.

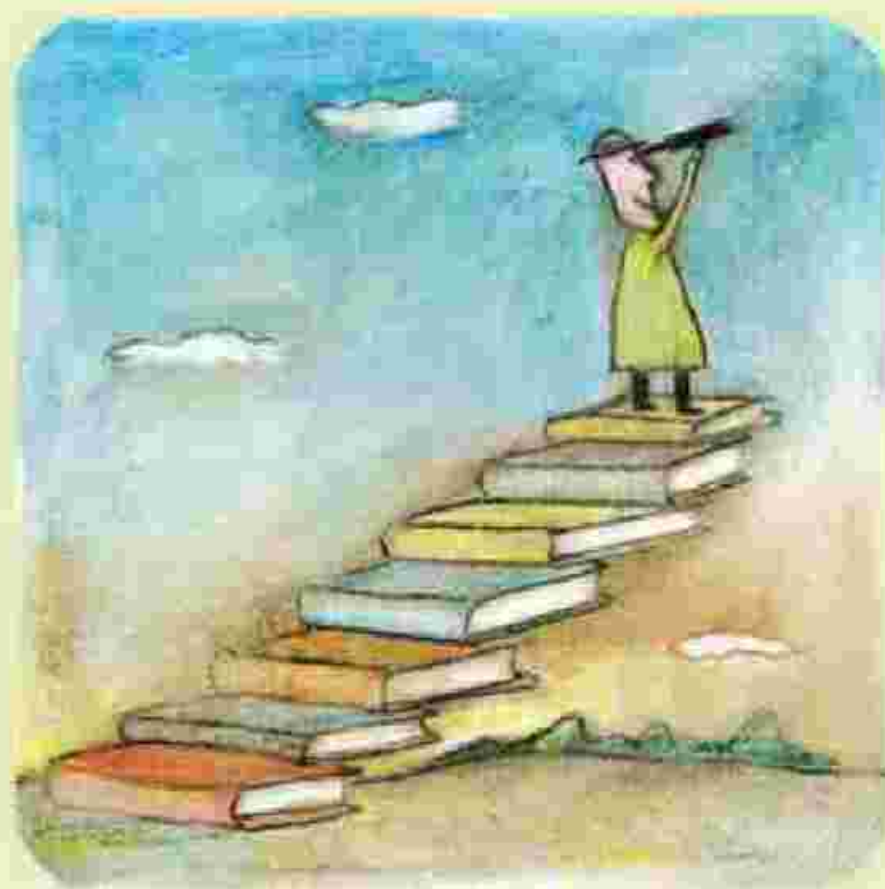
نتیجه‌گیری

تکنولوژی نقش مثبتی در توسعه یادگیری دارد. با استفاده از فن‌آوری، مربیان به روش‌های خلاقانه‌تر و پیشرفته‌تر دسترسی دارند که به آن‌ها امکان می‌دهد، یادگیری را ارتقاء دهند و محیطی فعال برای کودکان فراهم کنند. امروزه مهد کودک و پیش دبستانی‌هایی که مجهز به چنین تکنولوژی‌هایی می‌باشند، امکان دسترسی به چنین



اهدافی را فراهم نموده‌اند. استفاده از تکنولوژی در محیط آموزشی، نیاز به حمایت بیشتر برای چگونگی استفاده از این ابزار در سطح پیش دبستانی و مهد کودک دارد.

تهیه و تنظیم: **خلیل شیروانی - مدرس مرکز - دکترای مدیریت آموزشی**



دینی به محافل و محیط‌های فرهنگی و آموزشی از سرعت رشد اندیشه سکولاریسم در پهنه آموزش کاسته شد.

در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، با عضویت ایران در یونسکو، شرکت در کنفرانس‌های جهانی و میزبانی کنفرانس وزیران آموزش و پرورش در دهه ۱۳۴۰ در تهران، آموزش و کاهش بی‌سوادی به عنوان شاخص مهم توسعه از عوامل درون‌زای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی گردید.

بعد از انقلاب اسلامی، ساخت نهاد ورزش تغییر اساسی نکرد و تنها آموزش‌های مذهبی، غنای بیشتری یافت. این امر علاوه بر کارکرد آشکار به جامعه ایران، دارای کارکرد پنهان نیز می‌باشد، که به عنوان مثال می‌توان از آموزش قوانین جدید مملکتی، احترام به ارزش‌ها، مقدسات دینی و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران نام برد. به هر حال، توسعه ارتباطات و آگاهی از پیشرفتهای ملل دیگر، بر تقاضای آموزشی و نظام آموزش تأثیر زیادی می‌گذارد.

۳. عرضه و تقاضای آموزش

اقتصاد آموزش، رشته علمی جدیدی است که بیش از دو دهه از عمر آن نمی‌گذرد. این رشته، که زیرشاخه‌ای از علم اقتصاد است، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه که آموزش به عنوان یکی از عناصر توسعه به حساب می‌آید، توصیه‌های مهمی را در بر دارد. همان‌طور که موضوع مرکزی علم اقتصاد مدیریت، بیشینه کردن تولید با استفاده از منابع کمیاب و محدود می‌باشد، اقتصاد آموزش نیز سعی دارد تا با استفاده از بهینه از منابع آموزشی، به حداکثر تولید نائل آید. بدین ترتیب اقتصاد آموزش، عوامل تعیین‌کننده عرضه و تقاضای آموزشی و تفاوت بین فایده‌ها و هزینه‌های شخصی و اجتماعی سرمایه‌گذاری در آموزش را بررسی می‌کند. هزینه‌های آموزش باید به نحوی تخصیص یابند که بالاترین بازده اجتماعی را به دست آورده، و همچنین، با توجه به محدودیت منابع برای آموزش یا بهره‌گیری از راههای مختلف و ابداعات آموزشی و روشهای جدید، زمینه افزایش کارایی را فراهم نمود.

بررسی تقاضای آموزشی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که ظاهراً انگیزه تقاضای آموزشی، اقتصادی است. فرد، انتظار دارد، با بالا رفتن سطح آموزش، درآمدش نیز افزایش یابد. اکثر مردم در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، آموزش را معمولاً برای فواید غیراقتصادی تقاضا نمی‌کنند، بلکه آموزش وسیله تأمین اشتغال در بخش‌های اقتصادی به ویژه بخش‌های جدید را فراهم می‌کند.

میزان تقاضای آموزش در سطحی که فرد را قادر به استفاده از امکانات شغلی جدید نماید، به وسیله ترکیبی از چهار متغیر زیر تعیین می‌شود:

۱. اختلاف مزد و یا درآمد؛
۲. احتمال موفقیت در پیدا کردن شغل در بخش جدید؛

۳. هزینه‌های مستقیم شخصی؛
۴. هزینه‌های مستقیم یا هزینه فرصت‌های از دست رفته آموزش به این ترتیب که هر چه هزینه فرصت از دست رفته بیشتر باشد، تقاضا برای آموزش کمتر خواهد بود.

البته، عوامل مؤثر غیراقتصادی نیز وجود دارند که بر تقاضای آموزشی مؤثرند. این عوامل، عبارتند از: سنن فرهنگی، موقعیت اجتماعی، آموزش والدین، و بعد خانوار.

بخش مهمی از تقاضای آموزشی در کشورهای در حال توسعه و به ویژه ایران، به طور کاذب ایجاد شده است. بدین لحاظ می‌توان از طریق شناسایی عوامل مربوطه تقاضای آموزش را به سطحی واقع‌بینانه‌تر کاهش داد. کاهش این تقاضا فواید و



هزینه‌های خصوصی آموزش را به هزینه و فواید اجتماعی آن نزدیک‌تر می‌سازد. این مهم را می‌توان از طرق زیر به انجام رساند:

۱. یکی از عوامل مؤثر در افزایش تقاضا، هزینه‌های مستقیم شخصی آموزش است. اگر فرد مجبور شود که هزینه‌های آموزشی را خود پرداخت کند، تقاضای خصوصی برای آموزش کاهش می‌یابد و اگر هم به دلیل اختلاف زیاد درآمدها و یا مردها و سایر عوامل تقاضا، تقاضای خصوصی کاهش نیابد، هزینه‌های آن را اجتماع نمی‌پردازد. راه‌های مختلفی برای پرداخت هزینه‌ها وجود دارد. ارائه وام یکی از آنها می‌باشد که خانواده یا اجتماع بار هزینه آموزشی را بر دوش نمی‌کشند، بلکه ذی‌نفع از طریق درآمدهای آینده‌اش این هزینه را

می‌پردازد. همچنین باید نظام پرداخت هزینه برای طبقات محروم انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشد.
۲. کاهش تفاوت درآمد بین بخش‌های جدید و سنتی که شامل سیاست‌های تثبیت نسبی سطح حداقل و متوسط مردها در بخش‌های جدید و افزایش بهره‌وری و قیمت‌های کشاورزی است. البته بحث بیشتر در این موضوع ما را از مبحث آموزش دور می‌کند.

بنابراین، به طور کلی می‌توان گفت، تقاضای آموزشی به لحاظ عوامل اقتصادی است در حالی که آموزش به تحرک اجتماعی کمک می‌کند و به این خاطر، تفاوت‌هایی در انسانها پدید می‌آورد که شأن و منزلت اجتماعی آدمیان را تغییر می‌دهد. بدین سبب، این عامل در تقاضای آموزشی مؤثر می‌افتد. بررسی این موضوع، تعلق خاطر جامعه شناسی آموزش و پرورش است.

علاوه بر این، عوامل دیگری به طور خاص بر عرضه و تقاضای آموزشی در کشور مؤثر بوده اند که عبارتند از:

۱. رشد بالای جمعیت، ۲. اهتمام زیاد دولت به گسترش آموزش و افزایش میزان ثبت‌نام ۳. کاهش درآمدهای واقعی دولت ناشی از تأثیر پذیری از از نواسانات قیمت نفت و عدم وجود یک نظام مالیاتی کارآمد ۴. رکود اقتصادی ۵. رقابت روزافزون بخش‌های دیگر برای تصاحب سهم بیشتری از منابع عمومی محدود.

عرضه آموزش بستگی به استراتژی توسعه دارد. این امر به ویژه در کشورهای در حال توسعه مصداق دارد. استراتژی توسعه تعیین می‌کند که چه مقدار از مکان و ظرفیت آموزشی فراهم گردد، چه نوع آموزشی ترویج شود، چه کسی به مکان‌های آموزشی راه یابد، و چه سطوح تحصیلی مورد عنایت قرار گیرند. لذا، عرضه آموزشی را، باید با معیارهای دیگری که غالباً اقتصادی هم نیستند، سنجید. بدین ترتیب نخست استراتژی توسعه برگزیده می‌شود و سپس به طور اقتصادی در مورد آموزش بحث می‌گردد. بنابراین اگر با هر نوع معیار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی استراتژی توسعه صنعتی را از طریق استراتژی‌های توسعه صادرات یا جایگزین واردات برگزینیم، به سطوحی خاص از آموزش توجه بیشتری معطوف می‌گردد، تا اینکه استراتژی توسعه خودمحور، انتخاب شود.

ادامه دارد...

تهیه و تنظیم: آزاده جعفری کارگر، دکترای اقتصاد مالی، مدیر گروه کسب و کار و مسئول بخش کارآفرینی و نوآوری

